

مبانی فقهی مالکیت معنوی نرم افزار



رشد استفاده از رایانه در ایران و به کارگیری آن در فرایندهای مختلف آموزش، صنعت، نشر و پژوهش، مسائل حقوقی نوظهوری را در پی داشته است. این مسائل ضرورتاً باید در دستگاه فقهی و حقوقی ایران تحلیل و قوانین مناسب با آنها تصویب گردد.

یکی از این مباحث، حقوق مالکیت فکری است که متأسفانه کمتر مورد کنکاش فقهی قرار گرفته است. حجة الاسلام سید حسن شبیری که از فضایی آشنا با مباحث علمی رایانه است، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مسئولیت حقوقی ناشی از نرم افزارهای معیوب» تلاش نموده است که این مسئله را با تکیه بر مبانی استدلالی فقهی به ویژه فقه شیعه بررسی نمایند. در این نوشتار گزیده‌ای از پایان نامه ایشان را با هم می‌خوانیم.

در نسل گذشته از فقهای معاصر، کمتر کسی قائل به حقوق مالکیت فکری یا معنوی در موضوعاتی چون کتاب و نرم افزار بوده است. از بین این فقها می‌توان به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی^(ع) اشاره کرد که حقوق مالکیت فکری را اساساً غیر شرعی می‌دانستند. در بین فقهای نسل حاضر نیز وضع تقریباً به همین منوال است و بسیاری از آنان این حق را از نظر شرعی معتبر نمی‌دانند.^۱ با وجود این، آن‌گونه که از اظهارات برخی از متولیان نظام انفورماتیک کشور بر می‌آید، آنان بسیار علاقه‌مند هستند که فقها نسبت به این موضوع نظر مساعدی ابراز کنند.^۲ غافل از اینکه اصولاً احکام شرعی در چارچوب قالب‌ها و ضوابط مشخص و معینی قابل اثبات هستند و نمی‌توان با شیوه‌های تحمیلی و سلیقه‌ای احیاناً حکم شرعی جدیدی را ملتزم شد و آن را به شرع مقدس نسبت داد!

این مهم را به انجام رسانید. با توجه به تبعات و بررسی‌های انجام شده، در فقه اسلامی برای اثبات حقوق مالکیت معنوی دست کم هشت راه حل قابل تصویر است. در توضیح اجمالی این راه حل‌ها بایستی گفت که یک راه حل با استفاده از مبانی اهل سنت، یک راه حل با استفاده از مبانی حکومتی ولایت فقیه و سایر راه‌ها بر اساس قواعد و اصول موجود در فقه شیعه صورت یافته‌اند.

۱. تمسک به قاعده مصالح مرسله

یکی از پژوهشگران معاصر، برای اعتبار بخشیدن به حق مالکیت فکری، به قاعده مصالح مرسله تمسک نموده است.^۳ این قاعده را برخی از معاصران این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«مصلحت مرسله از نظر لغوی به معنای منفعت معقول است و در اصطلاح اصولیین،

در عین حال، به نظر نگارنده، یکی از علل اصلی عدم پذیرش این مسئله از سوی فقها، شفاف نبودن و عدم وضوح مفهوم و مصادیق حقوق رایانه و نیز فلسفه وجودی مالکیت‌های فکری در حوزه نرم افزار، نزد آنان است. در حالی که اصول کلی و قواعد خاصی در شرع وجود دارد که می‌توان به گونه‌ای، از آنها برای اثبات حقوق رایانه استفاده نمود. در مبحث بعد خواهیم دید که با استناد به این اصول کلی، می‌توان حداقل بخشی از فروعات مهم حقوق رایانه را اعتبار شرعی بخشید البته این هرگز بدان معنا نیست که خواسته باشیم با خارج شدن از چارچوب ضوابط و قواعد کلی اثبات احکام شرعی، خدای ناخواسته، حکمی جعلی و تحمیلی را به شرع مقدس اسلام نسبت دهیم؛ بلکه به نظر می‌رسد بتوان با همان معیارهای کلی مدون در فقه شیعه

عبارت از حکمی است که منطبق با اهداف و اغراض شرعی بوده؛ اما هیچ دلیل خاص معتبر شرعی از اخبار نسبت به اعتبار یا بی اعتباری آن وجود ندارد، مانند مصلحتی که صحابه پیامبر در جمع کردن قرآن در ابتدای زمان حکومت خلفای راشدین دیدند. مصالح مرسله در یک تقسیم‌بندی به سه نوع: ضروریات، مثل احکام جهاد؛ حاجیات، مثل احکام مربوط به انواع معاملات؛ و تحسینات، مانند احکام مربوط به پوشیدن لباس تمیز و پاکیزه تقسیم می‌شود.»

این مبنای در حقوق کشورهای اسلامی که به فتاوی اهل سنت توجه می‌شود، ممکن است کارساز باشد؛ اما از آنجایی که این قاعده جایگاهی در فقه شیعه ندارد و حقوق ایران نیز بر اساس مبانی مشهور فقهای شیعه تدوین یافته است، این طریق نمی‌تواند مبنای مناسبی بر حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران به شمار آید.

۲. مبنای ولایت فقیه

عده‌ای از فقیهان معاصر، با توسعه دادن در مبنای ولایت فقیه، اختیارات گسترده‌ای را برای فقیه قائل شده‌اند. قانون اساسی ایران نیز پس از انقلاب بر مبنای ولایت فقیه شکل گرفته است. برای کسانی که این مبنا را اختیار نموده‌اند، این اصل توانسته است راهگشای بسیاری از مشکلات حقوقی، به‌ویژه در دایره امور حکومتی باشد. از جمله مواردی که به مبنای ولایت فقیه تمسک شده است، در زمینه حقوق مالکیت‌های فکری است. بر این اساس، ولی فقیه اگر مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به تبعیت از نظام مالکیت فکری ببیند، می‌تواند از ولایت خود استفاده کرده، با محترم شمردن این حقوق، رعایت آن را بر همگان تکلیف نماید. بدیهی است اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری، متوقف بر این است که ولی فقیه از طریق کارشناسی و مصلحت‌سنجی، صلاح اجتماع را در پیروی از این نظام ببیند. با وجود این، فقیه و متفکر سیاسی معاصر، حضرت امام خمینی^(ره) به رغم اینکه خود مؤسس مبنای ولایت فقیه در معنای گسترده آن هستند، اما به شدت، مخالف هرگونه حق مالکیت معنوی از جمله حق مؤلف بودند.^۴ شاید ایشان هنوز مصلحت جامعه را در این ندیده بودند از این اختیار ولایی جهت مشروعیت مالکیت معنوی بهره بگیرند.

۳. تمسک به ارتکاز عقل

قائلان این مبنا این‌گونه استدلال کرده‌اند که از یک سو ارتکاز عقلا بر مالکیت این حقوق دلالت دارد و از سوی دیگر نیز هیچ منع و ردعی از شارع نسبت به این ارتکاز به دست ما نرسیده است. پس اصل بر اعتبار این ارتکاز عقلایی از نظر شرع مقدس است.

اشکال راه حل: بر استدلال مزبور اشکال شده است که این ارتکاز عقلایی امر جدیدی است و در زمان معصوم سابقه نداشته است تا عدم ردع شارع دلیل بر امضای آن باشد. بنابراین، ارتکازات عقلایی هر چند هم گسترده باشند، نمی‌توان به صرف عدم وجود ردع از شارع نسبت به آن ارتکازات، امضای آن را به اثبات رساند.

ممکن است این نقد را این‌گونه پاسخ داد که در اینجا مورد از موارد توسعه در مصادیق است، نه توسعه در مفهوم که نیاز به تحقق آن در زمان معصوم باشد؛ توضیح مطلب اینکه در زمان معصوم ارتکاز ملک بودن حیزات، ثابت بوده است؛ اما در آن زمان، انطباق این مفهوم بر مصادیق خارجی تنها به حیزاتی منحصر می‌شد که با دست یا ابزار ساده دستی انجام می‌گرفت؛ در حالی که امروزه مصادیق نوینی برای حیزات پیدا شده است و آن حیزات‌های گسترده‌ای است که به کمک ابزار صنعتی جدید انجام می‌گیرد. در چنین مواردی، می‌توان گفت عدم ردع شارع دلیل بر امضای شارع به مفهوم گسترده ارتکازی آن است و لازمه امضای این ارتکاز توسط شرع، پذیرش انطباق این مفهوم بر مصادیق جدیدی است که در عصر معصومین^(ع) نبوده است.

البته اگر تأمل ویژه‌ای در این ارتکاز نماییم، خواهیم دید که در اینجا نفس ارتکاز، ارتکاز جدیدی (مفهوم جدید) است نه اینکه ارتکاز ثابت بوده و مصادیق آن جدید باشند.^۵

۴. ملکیت تکوینی اعمال ذهنی

ملکیت انسان نسبت به ذمه خویش، کارها، جوارح، اعضا و دستاوردهای کارهایش، ملکیت و سلطه‌ای تکوینی است نه اعتباری، و عقلا در این موارد، نیازی به جعل سلطنت اعتباری مانند ملکیت انسان نسبت به خانه نمی‌بینند؛ زیرا معتقدند سلطنت تکوینی، انسان را از سلطنت اعتباری بی نیاز می‌سازد. این ملکیت تکوینی، موضوع حق اختصاص و اولویت انسان نسبت به کارها و دستاوردهای

خویش است و این از موارد تمسک به ارتکاز عقلایی نیست تا محذور پیشین رخ نماید؛ بلکه ما بر ادعای خود به روایت عدم جواز حلیت تصرف در مال غیر تمسک می‌کنیم، مثل توقیع شریفی که از ناحیه امام عصر(عج) به دست ابو جعفر بن عثمان عمری رسیده است^۶ و یا روایت سماعه^۷ و روایت زید شحام^۸.

اگر با استفاده از این روایت، اولویت انسان در مقایسه با نتایج کارش قابل اثبات باشد،

یکی از علل اصلی

عدم پذیرش مالکیت معنوی

از سوی فقها،

شفاف نبودن و عدم

وضوح مفهوم و مصادیق حقوق

رایانه و نیز فلسفه

وجودی مالکیت‌های

فکری در حوزه نرم‌افزار،

نزد آنان است

خواهیم گفت که کتاب در وجود تجردی خود از نتایج و دستاوردهای مؤلف کتاب است. بنابراین، به ملکیت تکوینی و نه اعتباری در ملک مؤلف کتاب است و هر گونه تصرف در آن کتاب، تصرف در مال غیر است و با توجه به نص روایت فوق، از نظر شرعی ممنوع است. با همان شیوه نیز می‌توان، به روایات مربوط در باب معاملات نیز استدلال نمود.

اشکال راه حل: این راه حل نیز ناتمام است؛ زیرا حتی اگر بپذیریم که روایات نهی

● برخی از فقها در بحث

مالکیت معنوی به ادله حرمت

سرقت یا غصب تمسک کرده‌اند در

حالی که موضوع سرقت «اموال» است

نه «حقوق» و اثبات مالیت

در مالکیت معنوی

نرم‌افزار دشوار است



۷. تمسک به ادله حرمت سرقت و غصب یا ورود عدوانی

این راه حل، تنها به نقض کپی‌رایت توجه نکرده است؛ بلکه به برخی دیگر از ابعاد حقوق رایانه نیز عنایت دارد. توضیح اینکه شکی نیست که بسیاری از مصادیق نقض کپی‌رایت که از اقسام حقوق مالکیت معنوی به شمار می‌آید، از نظر عرفی، مفهوم سرقت بر آن صدق می‌کند. افزون بر آن، از جمله اعمال غیر مجازی که هرکس (سارقان و نفوذکنندگان رایانه‌ای) در اینترنت مرتکب می‌شوند، ورود غیر مجاز به پایگاه‌های اینترنتی مربوط به اشخاص و شرکت‌هاست. بی‌شک، از نظر عرف کاربران رایانه، مفهوم ورود عدوانی و در برخی شرایط، عنوان غصب سایت بر این اعمال منطبق است و از آنجایی که هم سرقت و هم غصب یا ورود عدوانی، از منتهیات شرعی است، پس به وسیله ادله شرعی‌های که ارتکاب این سه عمل را حرام می‌دانند، می‌توان اعتبار شرعی بسیاری از مصادیق حقوق رایانه را اثبات نمود.

اشکال راه حل: این دلیل نیز از دو جهت مورد مناقشه و مخدوش است:

الف. موضوع سرقت، ورود عدوانی و غصب در شرع، «اموال دیگران» است و بنابراین، برای صدق عنوان سرقت، لازم است در رتبه قبل، مفهوم مالیت و ملکیت بر شیء مورد نظر منطبق باشد. و ملکیت و مالیت داشتن این حقوق، اصل مدعاست. ضمن اینکه اگر هم مالیت آنها اثبات شود، شمول مفهوم سرقت بر عنوان «حق» که قسم خاصی از اموال است، مورد شک و تردید است. به علاوه، در موضوع ورود عدوانی و غصب، علاوه بر مال بودن شیء، بایستی ملک (مال غیر منقول) نیز باشد و صدق عنوان مال غیر منقول بر پایگاه اینترنتی واضح و روشن نیست.

ب. اگر هم این استدلال را تمام بدانیم، این دلیل حداکثر برخی از ابعاد حقوق رایانه را پوشش می‌دهد و سایر جنبه‌های این حقوق، همچون اثبات حقوق معنوی بر دارنده آن و انتقال حقوق به وراثت را نمی‌توان مستقیماً از این دلیل استفاده نمود.

۸. قاعده حفظ نظام و دلیل عقل مستقل (نظریه برگزیده)

دلایلی که تاکنون برشمرده شد، هر کدام مبتلا به اشکالات و یا محدودیت‌هایی بودند.

کتاب خارجی، رابطه آن با مؤلفش، مانند رابطه خانه با سازنده آن خواهد شد و همچنان که صاحب خانه بر خانه سلطنت تکوینی ندارد، مؤلف نیز بر کتاب خود سلطنت تکوینی ندارد و هر دو به سلطنت اعتباری و ارتكازی نیاز دارند و اگر بخواهیم به ارتكاز بازگردیم، در واقع همان راه حل نخست را برگزیده‌ایم که مبتلا به اشکالات یاد شده است.^{۱۱}

۵. قاعده لا ضرر

بر اساس قاعده لا ضرر و لا ضرار، بهره‌برداری از نتایج کار مؤلف یا هنرمند و نظایر آن، اضرار به آنها تلقی می‌شود که در شریعت مقدس به صراحت ممنوع شده است.

اشکال راه حل: ضرر در باب اموال و حقوق تنها عبارت از سلب مال و حق است. از این رو، صدق ضرر، منوط بر آن است که مال و حق در رتبه قبل ثابت شده باشد و این اول کلام است؛ چرا که اگر مالکیت فکری از نظر شرعی حق شمرده شود، دیگر نیاز به تمسک به قاعده لا ضرر نیست. در واقع این راه، اصل مدعا را به صورتی دیگر بیان نموده است.^{۱۲}

۶. تمسک به آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»

بر اساس این راه، معاملاتی که بر اشباه و نظایر این حقوق نزد عقلا انجام می‌شود، معاملات عقلایی بوده و در نتیجه، مشمول اطلاق آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» خواهد شد.

اشکال راه حل: اشکال این راه حل بسیار واضح است؛ زیرا اگر بپذیریم اوفوا بالعقود بر صحت عقد دلالت دارد و یا اینکه اطلاق ادله مشابه آن را بپذیریم، این اطلاق زمانی اعتبار دارد که مالکیت حق، شرعاً تحقق یافته باشد؛ زیرا بدون شک، عقد بایستی بر چیزی واقع شود که از نظر شرعی و عرفی در ملک عاقد و یا حق او باشد تا بتوان قاعده وجوب وفا را بر آن تطبیق کرد. اما اگر حق و مال تنها از نظر عقلا ثابت شده باشد، این امر تنها صحت عرفی عقد را اثبات می‌کند، نه صحت شرعی آن را (مگر با استفاده از ارتكازی که در دلیل اول مطرح شد). پس با وجود شک در شرعی بودن این حق یا مال، تمسک به اطلاقاتی مانند اوفوا بالعقود، تمسک به عام در شبهه مصادقی است که از نظر اصولی بطلان آن ثابت شده است.^{۱۳}

از تصرف در مال غیر، اعم بوده و نه تنها شامل ملکیت اعتباری بوده؛ بلکه ملکیت تکوینی را هم شامل می‌شود، باز خواهیم گفت که مملوک به ملکیت تکوینی که به معنای سلطنت تکوینی است، در باره خود کارها است نه نتایج آنها که از انسان سر می‌زند و سپس از اختیار او تکویناً خارج می‌شود. درست است که کتاب به معنای ذهنی و تجربی‌اش در ملکیت تکوینی پدید آورنده آن است، اما همین کتاب به مجرد ایجاد مؤلف و تبلور یافتن در قالب

با تتبع در اقوال و انظار علما در ابواب مختلف فقهی به نظر می‌رسد، بتوان مبنای فقهی مناسبی را بر مشروعیت حقوق رایانه یافت. این مبنا که برخاسته از اصول مسلم عقلی است، بارها و بارها در موارد مشابه مورد استناد فقها قرار گرفته است. گرچه حقوق رایانه، مفهوم نوینی است که در شرع مقدس به عنوان اولی حکمی برای آن ثابت نشده است، اما شاید بتوان با تطبیق عناوین ثانوی بر این مفهوم نظیر آنچه که در باره مصادیق لا ضرر گفته می‌شود در دایره شرع، جان تازه‌ای به آن داد و اعتبار آن را نزد شارع مقدس به اثبات رساند. ولی پیش از هر چیز، لازم است مقدمه‌ای را به شرح ذیل بیان کنیم:

یکی از موضوعاتی که در مباحث اصول فقه، مورد توجه خاص فقها قرار گرفته است و در بسیاری از ابواب فقهی به آن استناد می‌شود، بحث تلازم حکم عقل و شرع است. توضیح اجمالی این بحث تا آنجا که در شأن این نوشتار است، بدین صورت است که عقل مستقل، چنانچه در موضوعی خاص حکمی صادر نماید، شارع به دلیل اینکه خود از عقلاست؛ بلکه رییس عقلاست،^{۱۳} قطعاً این حکم را مورد تأیید و پذیرش قرار می‌دهد. بنابراین، اگر بتوان مصادیقی را یافت که عقل مستقل حکمی در آن خصوص داده باشد، کشف می‌کنیم که نظر شرع نیز مطابق همین حکم عقلی است. البته آن‌گونه که اصولیین مطرح نموده‌اند، اعتبار حکم عقل منوط به تحقق شرایطی است. از جمله شرایط اعتبار حکم عقل این است که تمامی عقلا در شرایط مختلف، بدون عنایت به خصوصیت مکان یا زمان خاص، مشترکاً به این حکم عقلی پایبند باشند تا اینکه بتوان حکم شرع را کشف نمود؛ در غیر این صورت، اگر تنها عقلائی یک ملت و یا گروه خاصی حکمی را تصویب کنند، نمی‌توان آن را کاشف از نظر شارع دانست؛ زیرا چه بسا ممکن است شارع که عقل کل است، در خصوص مورد مزبور، در جهت مخالف این گروه از عقلا، مشی نموده باشد. برای این موضوع معمولاً در کتب اصولیین از چند مثال مشهور استفاده می‌شود که از جمله آنها، حکم عقل به حسن عدل یا قبح ظلم و نیز لزوم حفظ نظام یا قبح اختلال نظم اجتماعی است.^{۱۴} پس از ذکر این مقدمه، اکنون به اصل استدلال می‌پردازیم. این استدلال مبتنی بر

سه بخش: کبر، صغرا و نتیجه خواهد بود. **اثبات کبرای قضیه**

در این گفتار، ما از قاعده عقلی «لزوم حفظ نظام» به عنوان پایه اصلی و کبرای استدلال بهره می‌گیریم. این قاعده، اصلی کلی است که در فقه کاربرد فراوانی یافته است؛ به طوری که طبق پژوهش‌های انجام شده حداقل در بیش از ده باب فقهی، به این قاعده تمسک شده است و جالب اینجا است که به هنگام بیان استدلال‌های مربوط در این چند باب، این قاعده غالباً به عنوان محکم‌ترین و مستدل‌ترین آنها مورد عنایت فقها قرار گرفته است. اصولی مشهور، مرحوم آخوند، در کتاب معروف خود کفایة الاصول تمسک به این قاعده را بارها مورد تأکید قرار داده است. می‌توان کلامشان را در این جمله خلاصه نمود: «الاحتیاط حسن فی کل حال الا ان یخل بالنظام».^{۱۵}

مناسب است در این زمینه، گزیده‌ای از کلمات فقها و اصولیین را در ابواب مختلف فقهی و اصولی یادآور شویم: در دلیل انسداد، مرحوم شیخ انصاری^{۱۶} و نیز صاحب کتاب نفیس «هدایة المسترشدین»^{۱۷}، برای اثبات لزوم عمل بر طبق ظن، در جایی که امکان کشف قطعی وجود نداشته باشد، این‌گونه استدلال نموده‌اند که در غیر این صورت، هرج و مرج و اختلال نظام پیش خواهد آمد و بدیهی است این امر عقلاً و شرعاً قبح است. در کتاب متاجر، پیش‌تر فقها، انجام معاملات و صناعات را جزء واجبات کفایی مسلمانان دانسته‌اند و بر این مدعا به قاعده عقلی لزوم حفظ و برقراری نظام از طریق انجام معاملات بین مسلمانان استناد نموده‌اند.^{۱۸}

در بحث «اخذ اجرت بر واجبات»، برخی از فقها پس از تقسیم‌بندی واجبات به واجبات نفسی و مقدمی، حکم به جواز اجرت بر واجبات مقدمی را، مثل صناعات که برای امرار معاش مردم است حکمی عقلی دانسته و برای اثبات آن، به قاعده لزوم حفظ نظام اجتماعی مسلمانان استناد کرده‌اند.^{۱۹} موارد یاد شده بالا، تصویر روشنی از قاعده لزوم حفظ نظام ارائه می‌دهد و با استفاده از این نمونه‌ها، می‌توان حدود و ثغور این قاعده را به درستی تشخیص داد. بر این اساس، هر جا که انجام یک عمل یا خودداری از آن، پایه‌های نظام اجتماعی را

متزلزل و سست کند و نظم اجتماع را مختل سازد، عقل مستقل حکم می‌کند که بایستی جلوی آن گرفته شود و این حکم فرقی نمی‌کند که موضوع آن مربوط به کل جامعه یا گروه خاصی از جامعه همچون آشوبگران و سارقان باشد. همچنین این قاعده نه تنها حاکم بر روابط اجتماعی است؛ بلکه دامنه آن، امور شخصی افراد را نیز در بر می‌گیرد مانند نهی از احتیاط نمودن وسواسی در امر طهارت و نجاست.

پس از اثبات کبر، حال نوبت به بررسی صغرای این قضیه می‌رسد. در این راستا، بایستی ببینیم آیا می‌توان به کمک این قاعده، نظام حقوق رایانه در حوزه مالکیت فکری را مشروعیت بخشید؛ به عبارت دیگر، آیا عدم رعایت نظام حقوقی که در صنعت رایانه ترسیم شده است، این نظام نوین اجتماعی را تهدید نکرده و در آن اختلال ایجاد نمی‌کند.

اثبات صغرای صغری

بر کسی پوشیده نیست که امروزه وضعیت نرم‌افزار با دو دهه پیشین خود بسیار متفاوت است. شاید بتوان بدون اغراق ادعا نمود که نرم‌افزار در حال حاضر، در تمامی عرصه‌های زندگی بشر نفوذ پیدا کرده است؛ از صنعت و تجارت گرفته تا پزشکی و سایر علوم بشری، در موقعیت فعلی همگی تحت تأثیر شدید این پدیده نوظهور قرار گرفته‌اند. به جرئت می‌توان گفت تا یک دهه دیگر، نرم‌افزار در معنای عام خود یکی از عناصر و لوازم اصلی جدایی‌ناپذیر ملت‌ها و جوامع انسانی به شمار خواهد رفت و برنامه‌ریزان نظام‌های اجتماعی دنیا، قطعاً این پدیده را به عنوان یکی از موضوعات کلیدی در برنامه‌ریزی‌های کلان خود مورد توجه قرار خواهند داد.

تجربه دو دهه پیشین به روشنی نشان داده است که موج پیش‌رفت‌ها و نوآوری‌های نرم‌افزاری که معمولاً سرمنشأ آن ایالات متحده آمریکا است، به طور متوسط پس از گذشت دو سال به کشورهای پیش‌رفته آسیایی، همچون امارات متحده عربی و تایوان رسیده و تقریباً دو سال بعد تأثیر این موج در جو حاکم بر فضای نرم‌افزاری کشورهایی همچون ایران آشکار می‌گردد.^{۲۰} در تأیید این مطلب، می‌توان به دو نمونه همگانی شدن استفاده از CD به عنوان یک رسانه اصلی جهت ضبط اطلاعات و درایورهای سخت‌افزاری مربوطه و گرایش

این کالا سوء استفاده نمود بدون اینکه بتوان سوء استفاده کنندگان را ردیابی و یا شناسایی کرد. چه بسا زحماتی که یک شرکت نرم‌افزاری در طول سالیان سال و با صرف هزینه‌های بسیار سنگین و گزاف، برای تولید و عرضه یک نرم‌افزار متحمل شده است، تنها در ظرف چند ثانیه با انجام کپی غیر مجاز از نرم‌افزار به هدر رفته و شرکت متحمل ضررهای هنگفت و غیر قابل جبرانی شود.

به رغم اینکه شرکت‌های بی‌شماری در سطح جهان در صدد ایجاد موانع فیزیکی بر کپی غیر مجاز نرم‌افزار و ایجاد تضمین و امنیت خاطر برای سازندگان نرم‌افزار بوده‌اند، اما متأسفانه تاکنون قادر به انجام موفقیت‌آمیز این کار به طور کامل نشده‌اند. تجربه نشان داده است که تمامی قفل‌هایی

بیش از پیش فراهم گشته و باعث شده تا در روابط اقتصادی، مرزهای جغرافیایی نادیده گرفته شوند و تجارت و معاملات مفهومی جهانی پیدا کند و بدین‌سان، نظام حاکم بر تجارت تعریف دیگری یابد. بدون شک، فناوری اطلاعات و نرم‌افزار در تدوین نظام جدید تجارت بین‌الملل بالاترین نقش را ایفا نموده است.

بایستی توجه داشت، گرچه مفهوم کلی «لزوم ثبات یا عدم اختلال در نظام اجتماعی» حکمی ثابت است که مورد پذیرش تمامی عقلای عالم بوده و اختصاص به عصر خاصی ندارد، اما این حکم عقلی از لحاظ مصداقی در هر عصر و دوره‌ای متفاوت با دوره پیشین خود بوده و نیز احتمالاً در هر جامعه‌ای متفاوت با جامعه دیگر می‌باشد.

با عنایت به مطالب یاد شده، شکی باقی

عمومی به استفاده از شبکه جهانی اینترنت اشاره نمود. از این‌رو، شاید بتوان وضعیت جاری نرم‌افزاری در آمریکا را معیار و الگوی مناسبی بر پیش‌بینی وضعیت آتی پیش‌رفت‌های این صنعت در سایر کشورها به شمار آورد. بر این اساس، در دهه گذشته تب استفاده از رایانه در جنبه‌های مختلف زندگی مردم آمریکا به‌ویژه در زمینه نرم‌افزارهای آموزشی به ۹۴٪ میزان خود رسیده است^{۳۱} و هم‌اکنون، موج دیگری با شتاب در حال شکل‌گیری است و آن همگانی شدن و استفاده آسان از شبکه اینترنت در جامعه آمریکاست.^{۳۲} طبق بررسی‌های انجام شده، سازمان‌های مخابراتی اینک هم‌اکنون در حال پیاده‌سازی طرح عظیم شبکه فیبر نوری بین ایالت‌ها و شهرهای مختلف آمریکا هستند.^{۳۳}

● گرچه حقوق رایانه‌ای، مفهوم نوینی است که در شرع مقدس به عنوان اولی حکمی برای آن ثابت نشده است، اما شاید بتوان با تطبیق عناوین ثانوی بر این مفهوم در دایره شرع، جان تازه‌ای به آن داد و اعتبار آن را نزد شارع مقدس به اثبات رساند

نمی‌ماند که برای حفظ نظام اجتماعی و جلوگیری از ایجاد اختلال در آن و یا فروپاشی آن، بایستی نرم‌افزار به عنوان یک موضوع اساسی و کلیدی مورد عنایت قرار گیرد.

از طرفی دیگر، نرم‌افزار به خاطر ویژگی‌های اختصاصی‌اش به گونه‌ای است که وجود و بقای آن مستلزم تحقق نظم حقوقی حاکم بر آن است؛ به عبارت دیگر، شرط لازم بر اینکه نرم‌افزار به عنوان یک صنعت ملی، مطرح شده و در دراز مدت ثبات داشته باشد، این است که نظام حقوقی رایانه نیز به همراه آن تدوین و به طور دقیق اجرا شود. دلیل اصلی مطلب این است که نرم‌افزار برخلاف بیشتر کالاهای صنعتی، محصولی است که به سرعت و با کمترین هزینه‌ای تکثیر می‌شود و در نگرشی جامع‌تر، طبیعت فیزیکی نرم‌افزار به گونه‌ای است که می‌توان به آسانی و به اشکال گوناگون از

ثمره این طرح، سرعت فوق‌العاده ارتباط از طریق اینترنت و تبادل سریع اطلاعات بین شهرهای آمریکا می‌باشد. از نتایج مستقیم این طرح، تولید انفجارآمیز اطلاعات در تمامی سطوح زندگی اجتماعی خواهد بود که تأثیر شگرفی در ایجاد تحولی عظیم در علوم و فنون بشری و در نهایت، ایجاد نظم نوین اجتماعی خواهد داشت. با توجه به تأثیرپذیری کشورهای مختلف جهان از این فرایند، خواه‌ناخواه در آینده‌ای نه چندان دور، این تحولات، سرانجام نظام اجتماعی سایر کشورها را دگرگون خواهد ساخت. بدیهی است کشور ایران نیز از این امر مستثنا نخواهد بود.

افزون بر این، اگر در قرن پیش روابط تجاری محدود به مرزهای جغرافیایی بود، اما امروزه به برکت وسائل ارتباط جمعی نوین همچون شبکه اینترنت، زمینه‌های ارتباطی بین اشخاص در سرتاسر جهان



که بر روی نرم‌افزارها گذاشته می‌شود، در اندک زمانی شکسته شده، شیوع پیدا کرده و بی‌اعتبار می‌گردند. این قابلیت انعطاف، به خاطر ماهیت نرم‌افزاری این کالاهاست و بدین خاطر است که نرم‌افزار وابستگی شدیدی به حمایت‌های قانونی یافته است؛ به طوری که یکی از عوامل اصلی موفقیت این صنعت در هر کشوری، مرهون اجرای دقیق و اهتمام شدید به اجرای نظام کپی‌رایت است که بخش مهمی از حقوق رایانه را تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که در هر کشوری که نظام حقوق رایانه، به طور جدی رعایت شده، صنعت نرم‌افزار رشد قابل توجهی کرده و برعکس، در کشورهایی که این نظام به دلایلی مورد حمایت جدی دولت قرار نگرفته و جامعه خود را ملزم به

آن ندیده، این صنعت دچار رکود و افت شدیدی شده است. آمریکا، هند و ایران سه شاهد این مدعا هستند.

در آمریکا، تحت شرایطی، حتی برای نرم‌افزار، ورقه حق اختراع که بیشتر از نظام کپی‌رایت، شخص را تحت حمایت قانونی قرار می‌دهد، صادر می‌شود. از این‌رو، سازندگان نرم‌افزار به خاطر حمایت‌های قانونی فراوان دولت از آنها، کمتر به ایجاد موانع فیزیکی، مثل قفل‌های سخت‌افزاری می‌اندیشند و بدین خاطر است که این کشور بالاترین سطح رشد تولید نرم‌افزار را داراست.^{۳۳} هند اگرچه در تقسیم‌بندی جهانی، جزء کشورهای جهان سوم محسوب می‌شود، اما یکی از موفق‌ترین کشورهای جهان در زمینه نرم‌افزار است.^{۳۴} در بررسی‌های صورت گرفته توسط کارشناسان، معلوم شده است که یکی از دلایل اصلی این امر، توجه ویژه دولت به نظام حقوق رایانه و اجرای دقیق آن در طی ده سال گذشته بوده است.^{۳۵}

پیش‌رفت هند، نه تنها در زمینه نرم‌افزار؛ بلکه در ارتباط با دیگر موضوعات مربوط به مالکیت فکری، همچون کتاب نیز بسیار چشم‌گیر بوده است. هند که از سال ۱۹۸۴ معاهده کپی‌رایت را امضا نموده است، هم‌اکنون از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده کتاب در جهان و پس از آمریکا و انگلستان، سومین کشور تولید کننده کتاب به زبان انگلیسی است و با بیست هزار عنوان کتاب در سال، یکی از پانزده کشور جهان از نظر تعداد عناوین است و اینها همگی به جهت توجه و اهتمام فراوان قانون‌گذاران و دولت‌مردان به نظام کپی‌رایت است.^{۳۶}

گرچه ورود نرم‌افزار به ایران، هم‌زمان با کشورهایی نظیر هند بوده و نیز صنعت نرم‌افزار به خاطر عدم نیاز به امکانات فراوان و تجهیزات سخت‌افزاری پیش‌رفته و اتکای بیشتر آن به نیروی انسانی خلاق و مبتکر، با ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران که دارای پتانسیل بالای نیروی جوان و مستعد می‌باشد، هم‌خوانی و سخنیت زیادی دارد، اما متأسفانه این صنعت، نه تنها رشد قابل توجهی نکرده است؛ بلکه بسیاری از شرکت‌های نرم‌افزاری ایرانی در طول این ده سال، پس از ورود به بازار، در مدت زمان کوتاهی غالباً به علت مشکلات اقتصادی به وجود آمده از کپی غیر مجاز محصولات

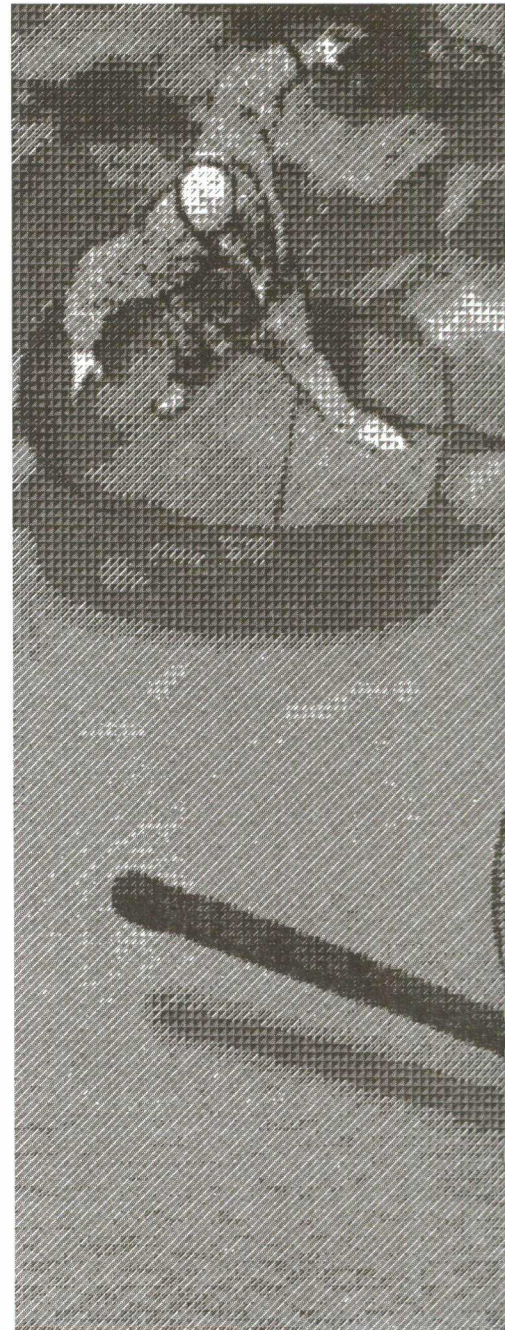
نرم‌افزاریشان، عقب‌نشینی کرده از صحنه رقابت حذف شده‌اند؛ به دیگر سخن، یکی از دلایل عدم موفقیت ایران در این زمینه، سهل‌انگاری و بی‌توجهی فراوان دولت‌مردان در اجرای نظام حقوق رایانه و عدم اهتمام جامعه به التزام عملی به این نظام است. هر عقل سلیمی گواهی می‌دهد که اگر حمایت‌های قانونی از نرم‌افزار صورت نگیرد، هیچ سرمایه‌گذاری تمایل به سرمایه‌گذاری در تولید نرم‌افزار از خود نشان نمی‌دهد و به طور طبیعی، انگیزه و رغبتی بر تقویت و رشد این صنعت به وجود نخواهد آمد و در نتیجه تولید این محصول مهم و حیاتی، دچار وقفه و رکود خواهد شد. برخی از فقها در بحث معاملات، لزوم توجه به حرفه خیاطی را به عنوان یکی از مظاهر حفظ نظم اجتماعی دانسته‌اند؛ به طوری که هر عاملی را که باعث ایجاد اختلال در این حرفه شود، از نظر عقلی و شرعی قبیح و غیر مجاز دانسته‌اند.^{۳۸} اگر قرار باشد، شغل خیاطی از چنین جایگاهی در مباحث فقهی برخوردار باشد، آیا نرم‌افزار در موقعیت فعلی کمتر از حرفه خیاطی است؟!

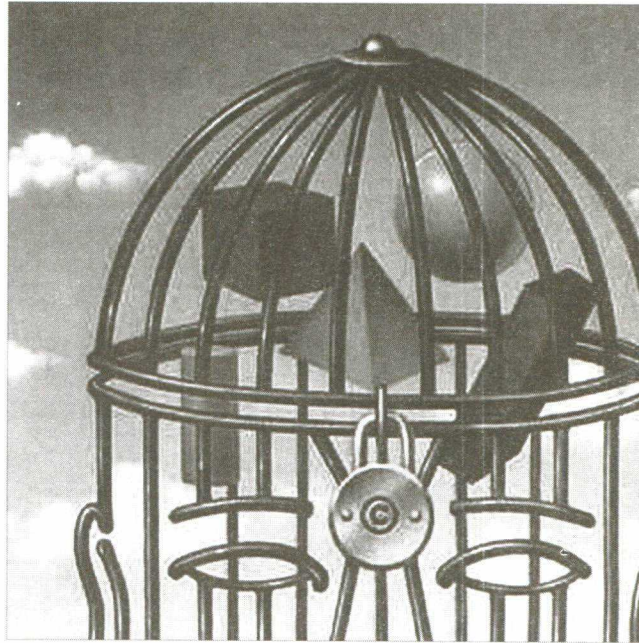
جالب اینجاست که برخی از فقها، در بحث اجرت در واجباتی چون طبابت پزشک، نه تنها پرداخت اجرت پزشک را روا دانسته‌اند؛ بلکه با بیانی استدلالی، پرداخت آن را بر مریض واجب کرده‌اند. نکته قابل توجه اینکه شیوه استدلال آنها بر این مطلب، دقیقاً شبیه آن چیزی است که ما در بحث فعلی متعرض آن شده‌ایم. دلیل آنها بر مطلب این است که اگر پرداخت اجرت بر مریض واجب نباشد، هیچ‌کس رغبت نمی‌کند تا وارد حرفه پزشکی گردد و یا هیچ پزشکی، حتی اگر بداند که خودداری وی از عمل معصیت است، باز هم تمایلی به انجام عمل طبابت نخواهد یافت.^{۳۹}

برخی از فقیهان معاصر، برای اثبات لزوم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، به همین دلیل عقلی که ما در بحث جاری به آن استناد نموده‌ایم؛ یعنی دلیل عقلی لزوم حفظ نظم اجتماعی، استدلال نموده‌اند.^{۴۰} بنابراین، با توجه به اشتراک ملاک بین قوانین راهنمایی و رانندگی و قوانین مربوط به فتاوری اطلاعات، قاعدتاً آنها نیز بایستی به وجوب رعایت نظم حقوق رایانه پای‌بند گردند.

استنباط و نتیجه‌گیری

از مطالب بالا نتیجه می‌گیریم که نظام





حقوقی از لوازم جدایی‌ناپذیر صنعت نرم‌افزار است و اگر نرم‌افزار به عنوان یکی از ضرورت‌های نظام اجتماعی مسلمانان تلقی گردد، بدون شک بایستی به لوازم آن نیز ملتزم شد و از آنجایی که اثبات کردیم که نرم‌افزار عنصری کلیدی در حیات آینده بشر به شمار خواهد رفت، بایستی ناگزیر به پذیرش «نظام حقوق رایانه» شویم و این همان مطلبی است که ما در پی اثبات آن بودیم.

اشکالات وارد شده بر راه حل برگزیده

این نظریه گرچه ممکن است از جهاتی قانع‌کننده باشد، اما از جهات دیگر دارای اشکالاتی است که بایستی به بررسی و نقد آنها بپردازیم.

الف- قاعده عقلی یادشده، در تعارض با مسائل شرعی دیگری است و بنابراین، حجیت و اعتباری ندارد. به عنوان مقدمه این اشکال، یکی از مراجع و فقیهان معاصر^{۳۱} در بحث اجرای حدود الهی می‌فرماید: گرچه حکم به اجرای حدود، برای ریشه‌کن کردن ظلم و فساد، حکمی است عقلی، اما اگر طریق، شیوه و چگونگی اجرای حد را شارع خود تعیین کرده باشد، نبایستی از حکم عقل پیروی نمود؛ هرچند او تشخیص داده باشد که مثلاً حبس بهتر از بریلن دست سارق است؛ به بیان دیگر، در تعارض حکم عقل و حکم شرع، حکم عقل ساقط و بی‌اعتبار می‌شود.^{۳۲} اما بیان اصل مطلب اینکه اگر حقوق

مالکیت‌های معنوی، همچون کپی‌رایت نرم‌افزار یا کتاب، معتبر اعلام شود، لازم‌هاش این است که بهره‌برداری از علم و صنعت، منحصراً در اختیار شخص خاصی (مالک اثر) باشد و این مانع از گسترش و انتشار علم است و این در حالی است که تأکید اسلام به یادگیری علم و دانش و انتشار آن، از ضروریات قطعی بین مسلمانان است. بنابراین، هر امری که در تضاد با مسلمات و مصالح قطعی شرعی باشد، گرچه حکم عقلی باشد، مردود و از درجه اعتبار ساقط است.

پاسخ اشکال: طرح این اشکال، جای بسی شگفتی است و ظاهراً از این امر ناشی شده است که کُنه و فلسفه اصلی وضع کپی‌رایت، به درستی شناخته نشده است؛ زیرا جعل حق مالکیت معنوی نسبت به کالاهای فکری همچون نرم‌افزار و کتاب، نه تنها مانع از پیشرفت نمی‌شود؛ بلکه دقیقاً در خلاف جهت آن موجب اعتلا و پیشرفت علم و صنعت و هنر خواهد شد. همان‌گونه که در مباحث پیشین نیز گذشت، اصولاً فلسفه وضع قانون کپی‌رایت آمریکا، مطابق نص قانون اساسی آمریکا، در راستای اعتلا و ارتقای علم و صنعت و هنر است. ماده اول از بخش هشتم این قانون مقرر داشته است که برای ارتقای سطح پیشرفت‌های علمی و هنری، این اجازه به کنگره داده می‌شود که قوانین مربوط به کپی‌رایت را وضع و تصویب نماید.^{۳۳}

از این‌روست که می‌بینیم حق کپی‌رایت دائمی نبوده و از نظر زمانی، مدت آن محدود شده است؛ به طوری که پس از گذشت آن مدت، در اختیار عموم قرار گرفته و دیگر هیچ‌کس حقی اختصاصی نسبت به آن نخواهد داشت.^{۳۴}

ب- این اشکال، کلیت قاعده عقلی یادشده را مورد تردید قرار می‌دهد. توضیح اشکال اینکه: همان‌گونه که در توضیح این قاعده اشاره شد، شرط اعتبار حکم عقلی این است که عقلای عالم، همگی به آن حکم نمایند و این در حالی است که در حال حاضر، نظام حقوقی مالکیت فکری نرم‌افزار، تنها مورد تأیید کشورهای پیشرفته صنعتی و معدودی از کشورهاست. پس نمی‌توان این نظام را جزء عناصر جدایی‌ناپذیر یک نظام اجتماعی به حساب آورد. در تأیید این مطلب گفته شده که کشور چین که به

تنهایی یک پنجم جمعیت را تشکیل می‌دهد، تا سال اخیر هنوز نظام کپی‌رایت نرم‌افزارها را محترم شمرده بود.^{۳۵} حال چگونه است که در این استدلال، از نظام حقوق رایانه، به عنوان نظامی که بر روابط عقلا در سراسر جهان سایه افکنده، یاد می‌شود.

پاسخ اشکال: پاسخ آن است که ما نیز با این مطلب موافق و هم‌رأی هستیم؛ اما ظاهراً اشکال‌کننده جزئیات استدلال را مورد توجه قرار نداده است؛ چرا که در آن ادعا شده که روند نظم اجتماعی جهان، به سویی پیش می‌رود که حداکثر تا ده سال آینده، در نظام اجتماعی کشورها، سیستم حقوق رایانه از اجزای اصلی آن نظام‌ها به شمار خواهد رفت؛ نه اینکه در صدد بیان وضعیت جاری نرم‌افزار در کشورهای جهان باشیم.

این کلام ممکن است اشکال دیگری را به وجود آورد و آن اینکه با توجه به وضعیت فعلی نرم‌افزار که مثلاً نقض حق کپی‌رایت نرم‌افزار، اختلال در نظام را موجب نمی‌شود، دلیلی بر اعتبار شرعی آن در زمان حاضر وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، چه لزومی دارد که شتابان در صدد اعتبار شرعی این نظام حقوق رایانه باشیم؟ بلکه عاقلانه این است که صبر کنیم و پس از آنکه استفاده از نرم‌افزار، همگانی و ضروری شد، اعتبار شرعی این نظام را به تبع ملتزم شویم.

این اشکال را نیز می‌توان این‌گونه پاسخ داد که تثبیت نظام حقوق رایانه امری نیست که به یک باره انجام شود؛ بلکه اجرای این‌گونه سیستم‌ها در جامعه به گونه‌ای که فضای عمومی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار دهد، به تدریج و در بستر زمان صورت می‌گیرد و از آنجایی که مطالب بالا به روشنی این مطلب را به اثبات رساند که در آینده نه چندان دور، صنعت نرم‌افزار از احتیاجات ضروری انسان‌ها خواهد شد، پس لازم است به عنوان مقدمه واجب، این نظام در سیستم حقوقی کشور وارد شود تا به تدریج، خو گرفتن جامعه با آن سیستم مزبور جذب پیکره نظام اجتماعی کشور شده و تثبیت گردد.

برتری‌ها و محدودیت‌های نظر برگزیده

به رغم اینکه این نظریه در مقایسه با سایر راه‌های ذکر شده، دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی است، اما نمی‌تواند نظام حقوقی

رایانه را به طور کامل توجیه نماید. در ذیل به شرح این امتیازات و محدودیت‌ها می‌پردازیم.

الف- برتری‌های نظریه

۱. این نظریه، برخلاف نظریه‌های قبلی که به بنای عقلا تمسک نموده بودند، این برجستگی را دارد که به تأیید نظر شرع نیاز ندارد که این بنا را تا زمان معصوم (ع) امتداد دهد تا عدم ردع شارع را به عنوان تقریر معصوم (ع) و نشانه امضای شارع مقدس بداند؛ بلکه به مجرد اثبات حکم عقل مستقل، با استفاده از قاعده تلازم حکم عقل و شرع، حکم شرعی آن نیز اثبات می‌گردد.

۲. این نظریه احتیاج به آن ندارد که در رتبه پیشین، مالیت این حقوق را به اثبات برساند؛ در حالی که پاره‌ای از نظریات مطرح شده، مبتنی بر اثبات مالیت این حقوق بودند.

ب- محدودیت‌های نظریه

به رغم امتیازات یادشده، این نظریه با محدودیت‌های زیر روبه‌روست و قادر نیست که تمامی زمینه‌های حقوق رایانه، همچون حقوق محرمانگی اطلاعات در اینترنت و حقوق اسرار تجاری را پوشش دهد. حتی این تئوری در بعد مالکیت فکری نرم‌افزار نیز کامل نبوده و حداقل از نظر حقوق ایران، نمی‌تواند مبنای جامعی بر قانون حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار ایران به حساب آید. توضیح آنکه قانون حقوق پدید آورندگان نرم‌افزار، مانند دیگر قوانین مربوط به مالکیت معنوی، از سیستم حقوق نوشته فرانسه الهام گرفته است. در این سیستم که مبتنی بر دکترین حقوق فطری است، مالکیت فکری، دارای دو بعد مادی و معنوی است. براساس آن، این حقوق ماهیتاً مال شمرده شده و در ردیف سایر اموال اند. از این‌رو، به راحتی قابل نقل و انتقال هستند و حتی پس از مرگ می‌توانند مانند سایر حقوق مادی، به وراثت انتقال قهری پیدا کنند. افزون بر آن، بر اساس این دکترین، از لحاظ جنبه‌های معنوی، آثاری همچون حق انتساب دائمی نرم‌افزار به مؤلف آنها، به عنوان ویژگی‌های اخلاقی یا معنوی این حقوق ثابت می‌گردد.

نقطه ضعف‌های راه حل پیشنهادی چنین است:

اول: این راه به هیچ وجه آثار معنوی حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار را اثبات نمی‌کند.

دوم: به لحاظ اینکه از این طریق مالیت حق اثبات نمی‌شود، طبعاً امکان انتقال قهری آن به وارث نیز با استفاده از این تئوری میسر نخواهد بود. راه‌حل ارائه شده فوق شابهت‌های زیادی با مبانی نظام مالکیت فکری کشورهای کامن‌لو همچون آمریکا دارد که حقوق معنوی و نیز ویژگی انتقال قهری، به عنوان آثار این حقوق شمرده نشده‌اند و تنها جنبه‌های مالی و اقتصادی این حقوق محترم شناخته شده‌اند. سر اصلی این مطلب در فلسفه تأسیس حقوق مالکیت معنوی در آمریکا نهفته شده است. طراحان این قانون، تنها بدین سبب این حقوق را وضع نموده‌اند که رغبت و انگیزه کافی بر خلق آثار فکری و سرمایه‌گذاری در این راه‌ها را به وجود آورند و از این طریق، موجبات شکوفایی و ارتقاء علم و صنعت و هنر بیش از پیش فراهم آید و به نظر آنان، تحقیق این امر با حمایت از جنبه‌های مادی این‌گونه آثار به خوبی تأمین می‌گردد؛

سوم: این مبنا نمی‌تواند حقوق رایانه را در زمینه‌هایی که ارتباطی با حفظ نظام ندارد، از نظر شرعی توجیه کند؛ به عبارت دیگر، نرم‌افزارهایی هستند که در راستای اهداف صرفاً فتنی، طراحی و ساخته می‌شوند و نبود آنها تأثیری در ثبات و یا اختلال نظام اجتماعی نمی‌گذارد، از قبیل برخی سرگرمی‌ها و بازی‌های رایانه‌ای. پس این طریق نمی‌تواند حمایتی شرعی از آنها را به عمل آورد.

به هر حال، جامعه نرم‌افزاری کشور ما بی‌صبرانه در انتظار تنقیح بیشتر حقوق رایانه از سایر ابعاد و ارائه راه‌حل‌های نو و جامع فقهی و حقوقی، برای حمایت از شکوفایی این صنعت در کشور است و این، وظیفه فقیهان و حقوق دانان آشنا به مبانی فقهی را بیش از پیش سنگین می‌کند. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱. از قبیل آیه الله خوئی و آیه الله صافی.
۲. دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور (گروه بررسی حقوق مؤلفین نرم‌افزار)، ص ۱۵ و ۲۳؛ بخش اخبار، قوه قضائیه و حقوق مؤلفین نرم‌افزار، خبرنامه انفورماتیک، سال هفتم، شماره ۵۲، دی و اسفند ۱۳۷۱.
۳. وهبه الزحلی، الفقه الاسلامی فی اسلوبه الجدید، دمشق، انتشارات دارالفکر، چاپ دوم، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص ۱۱؛ وهبه الزحلی، اصول الفقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۶، ج ۳، صص ۷۵۷۷۵۲؛ سید علی تقی حیدری، اصول الاستنباط، تهران، دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۳۳۷.
۴. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، ۱۳۹۵ ق، چاپ دوم، ج ۲، ص ۶۲۵.

۵. سید کاظم حائری، فقه اهل‌بیت، سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۷۹، ص ۱۰۳-۹۵.
۶. «لا یحل لاحد ان یتصرف فی مال غیره بغیر اذنه...».
۷. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، ۱۳۷۶ ق، ج ۶، ص ۳۷۷.
۸. «... لا یحل دم امرء مسلم ولا ماله الا بطبیة نفس منه...».
۹. شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۳، ص ۴۲۴.
۱۰. سید کاظم حائری شیرازی، پیشین.
۱۱. سید کاظم حائری شیرازی، پیشین.
۱۲. همان.
۱۳. محمدرضا مظفر، اصول الفقه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۱۷.
۱۴. محمدرضا مظفر، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۰.
۱۵. محمدکاظم خراسانی (مرحوم آخوند)، کفایة الاصول، قم، مؤسسه آل‌البیت ۷، ۱۴۱۰، ص ۲۷۵، ۳۱۳، ۳۵۴.
۱۶. شیخ محمد تقی، هدایة المسترشدين، قزوین، چاپ سنگی، ۱۳۹۶، ص ۴۱۲.
۱۷. «... ان وجوب الصنایع انما هو لحفظ النظام وانما ستقیم النظام بالتکسب بها...».
۱۸. [شیخ] محمد حسین اصفهانی، بحوث فی الفقه، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۱؛ محمدحسن آشتیانی، کتاب القضاء، قم، انتشارات دارالهیجره، چاپ دوم، ۱۴۰۴، ص ۳۶.

19. <http://econ61.berkeley.edu/maer-online/ms/eh6/de128487-eh.5.pdf>.
20. <http://web.gmu.edu/news/gazette/9803/jelly.html>.
- <http://www.msep.edte.utwente.nl/sitesml/extern/comped/fr2/fr2ehap3.htm>.
- <http://www.chilernerspartnership.org/pub/pbte/stand.html>.
21. <http://www.hoise.com/primeur/99/articles/contentsmonthlyoct99.html>.
22. <http://biz.yahoo.com/bw/011029/290078-1.html>.
23. <http://www.delhiinfo.com/new/indiansoftware.htm>.

۲۴. محمدتقی فقهی‌نژاد، برنامه‌ریزی استراتژیک صادرات نرم‌افزار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مهندسی سیستم‌های اقتصادی اجتماعی، دانشگاه علم و صنعت ۱۳۷۹، ص ۴۳-۴۹.
۲۵. گروه علمی روزنامه، «صنعت نشر در دیگر کشورهای جهان»، روزنامه ایران، سال هفتم، شماره مسلسل ۱۸۷۹، سه‌شنبه ۱۳ شهریور، ۱۳۷۰، ص ۱۲.
۲۶. محمدحسین اصفهانی، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۰.
۲۷. مرتضی انصاری، پیشین، ص ۶۳.
۲۸. امام خمینی (ره)، استفتانات، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۷ و ۶۰؛ ۱۴۷؛ محمدعلی اراکی، استفتانات از محضر آیه الله اراکی، قم، چاپ الهادی، (۱۳۷۳)، ص ۲۵۸؛ سید علی حسینی سیستانی، الفقه المغتربین، قم، انتشارات دفتر آیه الله سیستانی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۸۰.
۲۹. آیه الله سید محمدرضا گلپایگانی.
۳۰. آیه الله سید محمدرضا گلپایگانی، پیشین، ج ۱، صص ۱۵۴-۱۵۵.
31. <http://www.loc.gov/copyright>.
32. Public Domain.
33. <http://msanews.mynet/booklet.html>.
34. <http://www.rbs2.com/moral.htm>.